

بررسی تاریخی جایگاه امام صادق (ع) در مهندسی فرهنگ و تمدن اسلامی

عباس رهبری^۱، حسین خسروی^۲، سهراب اسلامی^۳، علی الهامی^۴

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران

^۲ استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران

^۳ استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

^۴ استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، ایران

نویسنده مسئول: Hkhosravi88@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۶ / تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۷

چکیده

پژوهش حاضر، به بررسی تاریخی جایگاه امام صادق (ع) در مهندسی فرهنگ و تمدن اسلامی پرداخته است. روش پژوهش، مطالعه اسنادی، کتابخانه ای و از نوع توصیف و تحلیل است که کتب و اسناد تاریخی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. نتایج بدست آمده نشان می دهد ائمه اهل بیت (ع) به عنوان پیشگامان حرکت اسلامی و داعیه داران فرهنگ اصیل دینی، به دلیل درک عمیق و دقیق از ارکان فرهنگ اسلامی و با تفسیر صحیح آن‌ها، علاوه بر تقویت پایه‌های فرهنگ اسلامی، آنرا از تحریف و انحراف مصون داشته‌اند و امام صادق (ع) در این مورد نقش مهمی را ایفا کرده اند. بررسی‌های به عمل آمده نشان‌دهنده این است که امام صادق علاوه بر پیشرفت در مباحث علمی در زمینه‌های مختلف اقدام به مهندسی آنان برای رشد و توسعه در فرهنگ و تمدن اسلامی نموده‌اند که در عصر حاضر نیز می توان از نقشه راه ایشان استفاده کرد.

کلیدواژه: علم، امام صادق (ع)، مهندسی، فرهنگ، تمدن اسلامی

۱) مقدمه

بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص)، نقش ائمه (ع) در رهبری سیاسی جامعه نادیده گرفته شد، ولی رهبری فکری، علمی و معنوی آنان هیچ‌گاه زایل نشد و با وجود مخالفت حاکمان با هرگونه فعالیت آنان در میان رهبران فکری جامعه اسلامی، آن بزرگواران بیشترین نقش را در هدایت فکری و فرهنگی جامعه داشتند و بیشتر از هرکس دیگری، در پدید آمدن و توسعه زمینه‌های تمدن اسلامی نقش ایفا کردند. امامان شیعه با روش‌های مبتنی بر وحی، تأثیر بزرگی در شکوفایی تمدن اسلامی داشته‌اند؛ همچون مکتب اقتصادی اسلام که بر اساس تعالیم آن‌ها شکل گرفته است. در خصوص فرهنگ اسلامی پیامبر (ص) برای جایگزینی فرهنگ جدید اسلامی به جای فرهنگ عرب جاهلی با مشکلات زیادی روبرو بود، از طرفی بروز مشکلات داخلی نیز نگذاشت تا پایه‌های این فرهنگ به صورت فراگیر مستحکم شده و به سرزمین‌های دیگر منتقل گردد؛ اما به لحاظ کمال دین و فرهنگ نوینی که به جامعه انسانی عرضه می‌کرد، این دین توانست در طول زمان به نیازهای جوامع بشری پاسخ دهد و منبعی جامع برای احتیاجات مادی و معنوی آنان باشد. با تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، نخستین گام در مدنیت اسلامی نیز برداشته شد و با گسترش اسلام و در طی فتوحات اسلامی در سده‌های بعد، مرز این فرهنگ و تمدن، مرزهای حجاز را نیز درنوردید. در ادامه رسالت پیامبر (ص)، ولایت و امامت مطرح شد تا خط سیر سرچشمه‌های این فرهنگ و تمدن، در جامعه اسلامی و دیگر جوامع تسری یابد؛ گرچه در همان زمان نیز برخی دست‌های پنهان و پیدا سعی در مخفی کردن و حتی انکار نقش ائمه داشتند و تا حدودی در این امر موفق شدند، متأسفانه این جنبه از حیات آنان تقریباً همیشه و حتی در حال حاضر نیز مغفول مانده است. می‌دانیم وجود اندیشه‌ای نو و دانشی قوی لازمه ساختن تمدن بوده و امری اجتناب‌ناپذیر است و بدون آن تمدن قوام لازم را نمی‌یابد. ائمه اهل بیت (ع) به عنوان پیشگامان حرکت اسلامی و داعیه داران فرهنگ اصیل دینی، به دلیل درک عمیق و دقیق از ارکان فرهنگ اسلامی و با تفسیر صحیح آن‌ها، علاوه بر تقویت پایه‌های فرهنگ اسلامی، آن را از تحریف و انحراف مصون داشته و با تعلیم علوم نزد خود و تربیت شاگردانی ممتاز در علوم و فنون زمان، بر غنای آن افزودند. در گسترش تمدن اسلامی نقش ائمه اطهار (ع) بسیار پررنگ است و هرکدام از ائمه (ع) بسته به حیات سیاسی و اجتماعی خود و فضای زندگی آن‌ها نقش در شکل‌گیری و درنهایت گسترش تمدن اسلامی داشته‌اند. در این میان نقش امام صادق (ع) در شکل‌گیری، تمدن اسلامی نقشی بنیادی و اساسی است و این موضوع از زوایای مختلف قابلیت شناخت بیشتری دارد، توجه ایشان به عقلانیت و خردورزی، علم، اخلاق سیاسی،

دین‌محوری و کرامت انسانی باعث شد، این موارد اثرگذار در تمدن اسلامی نهادینه گردد. تلاش‌های بی‌وقفه امام صادق (ع) که در روزهای آغازین تمدن اسلامی صورت گرفته است هنوز به‌روشنی موردبررسی و تحلیل قرار نگرفته است، وجود اصحاب و شاگردان امام صادق (ع)، امری حائز اهمیت در جهت‌دهی و شکل‌دهی توسعه تمدن اسلامی است. تلاش‌های امام صادق (ع) باعث شد، توجه به علم و دانش به‌عنوان یک بعد توسعه تمدنی در میان مسلمانان نهادینه شود و بعدها همین شاگردان و نسل‌های بعدی آن‌ها توانستند، با بن‌مایه‌های علمی خود، در قرون چهارم و پنجم هجری، تمدن اسلامی را به اوج شکوفایی برسانند.

۲) مهندسی تمدن اسلامی

در مهندسی تمدن باید منظومه باورها، ارزش‌ها و رفتارهای موجود در عرصه تمدنی را بازشناخت تا از طریق آن، چالش‌ها، تعارض‌ها، انحطاط‌ها، انتقادات و نیز قوت‌ها، شناخته شود و مبتنی بر تمدن آرمانی به‌دست‌آمده از کتاب و سنت بتوان تمدن هدف، یعنی تمدن قابل وصول را شناسایی نمود و در هر مرحله تکامل تمدنی، تمدن هدف را، به تمدن آرمانی نزدیک نمود (جمالی، مصطفی، ۱۳۹۱، ص ۷).

۳) نقش امام صادق (ع) در مهندسی تمدن اسلامی

شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امام صادق (ع) در شکل‌گیری آموزه‌های تمدنی توسط ایشان بسیار حائز اهمیت است. امام صادق (ع) در جهان اسلام بسیار تأثیرگذار بوده‌اند، اندیشه والای امام صادق (ع) و اعتقاد وی به کار علمی و آموزشی به‌منظور تحقق عینی اسلام در متن جامعه از ویژگی‌های بزرگ این امام همام است. از این‌رو اقدام به آموزش حدود ۴۰۰۰ نفر از طلاب نمودند (مفید، محمد بن النعمان، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۷۹) شیخ طوسی در رجال خود، فصل شاگردان امام جعفر صادق (ع) بیش از سه هزار نفر از آنان را نام برده است (طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۵، ص ۴۱۲-۴۱۷) و یکی از علمای زیدیه به نام ابن عقده کتابی به نام رجال نوشته‌اند، که تعداد روایان امام صادق (ع) را به حدود چهار هزار نفر رسانده‌اند (قریشی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۰). مقصود از این تعداد کسانی هستند که در مدت سالها تدریس امام (ع) از ایشان علومی را فرا گرفته‌اند و شامل کسانی نیستند که هر روز در محضر امام (ع) حضور یافته باشند (شهیدی، سیدجعفر، ۱۳۸۴، ص ۶۵) و امام بدین طریق دانشگاه بزرگ اسلامی خود را ایجاد کردند. امام صادق (ع) علم خود را از پدر و جد بزرگوارشان رسول اکرم (ص) به دست آورده بودند. ایشان از همان اوان کودکی در بحث و درس پدر حاضر بوده و رهرو اندیشه پدر و اجداد گرامی‌شان بودند (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۵۸). در زمان ایشان شبهات و تبلیغات گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی همچون مرجئه و ... زیاد بود و امام صادق (ع) در جایگاه استادی مسلط بر مبنای مکتب‌های الهی و غیر الهی، اقدام به نقد و پاسخگویی دیدگاه‌های آنان می‌نمودند (میرخانی، عزت‌السادات، ۱۳۸۵؛ ۳۳: ۶۲). حضور امام در زمان بنی‌امیه و بنی‌عباس از یک‌طرف و حضور فعال ایشان در کسوت استاد در مراکز علمی زمان خود زمینه مهم شکل‌گیری اندیشه تمدنی اسلام بود. امام صادق (ع) در مباحث مختلف که با برخی افراد داشتند سعی به پاسخگویی به افرادی که دانسته یا ندانسته در حال حاکم کردن اندیشه‌های غیردینی بودند تلاش بسیاری نمودند. نقش امام در برخی از اصول علمی و معنوی همچون فقه و تفسیر و علوم غیر اسلامی بسیار پررنگ است. حضور امام صادق (ع) در شهرهای مختلف خواسته یا ناخواسته به همراه شاگردان خود و آموزش مسائل مختلف علمی و حوزوی که گروهی از آن غافل بودند باعث گردید نام ایشان در سطح وسیعی در جامعه اسلامی آن زمان بر سر زبان‌ها بیفتد (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۷۲؛ ثقفی ابراهیم، ۱۳۵۵، ج ۲، ص ۸۵۶-۸۵۰). امام صادق (ع) با حضور مستمر خود در مباحث علمی و تربیت شاگردان برخی از دیدگاه‌های ساده‌اندیشانه یا غیرعلمی را نقد نموده و اعتقاد داشتند دستیابی به علوم مخصوصاً اسلامی کاری زیر بنایی نیاز دارد و دستیابی به اهداف عالی به توجه به ضعف جدی بسیاری از مسلمانان در این زمینه در اندک زمان امکان‌پذیر نیست و بنابراین اهتمام ایشان به تربیت شاگردان در حد بسیار زیادی بود که در آینده آنان ادامه‌دهنده راه آن امام همام باشند. در زمان امام صادق (ع) تطبیق کلیات بر مصادیق و پی‌گیری امر فرهنگ بسیار زیاد بود و حضرت در مقام تطبیق و بیان مصادیق برای جامعه آن روز که از فرهنگ اسلامی فاصله گرفته و فرهنگ سلطنتی و فرهنگ حکومت فاسد بنی‌امیه و بنی مروان جایگزین آن فرهنگ شده بود این وضعیت را روشن کردند و با فعالیت امام صادق (ع) این مسئله نضج گرفت و در نتیجه پایه‌ریزی فرهنگ و تمدن اسلامی را شکل دادند. در زمانی که اندیشه یونان متکی بر علوم نظری، روش استدلال و مسلمات تاکید داشت امام صادق (ع) مباحث علمی خود را بر اساس روش تجربی که مورد تأیید قرآن نیز بود پایه‌گذاری کردند و بر این اساس دانشگاه امام صادق (ع) در شهر مدینه پر از دانشمندان و متخصصین در زمینه‌های شیمی، جغرافیا، پزشکی، فلسفه و سایر علوم و همچنین علوم دینی مانند علم الحدیث و فقه بود (ولایتی، علی اکبر، ۱۳۹۳، ج ۳، ص).

۴) تمدن از دیدگاه امام صادق (ع)

در آثار امام صادق و یا منسوب به ایشان می‌توان مهندسی تمدن اسلامی را بر مبنای مفاهیم واژه تمدن به شکل موضوع و آثار تحلیل و بررسی کرد.

- در مباحث علمی بیان شده از امام صادق (ع) می‌توان تمدن را از منظر موضوعی و گاهی به معنای چگونگی ارتباط معنی نمود، یعنی انسان از طریق تمدن می‌تواند ارتباط برقرار کند و تمدن بسترساز انسان و جامعه با طبیعت باشد؛ بنابراین تمدن می‌تواند از یک سو نیاز جامعه و انسان را برطرف کند و از سوی دیگر باعث ارضاء نیاز انسان شود (کلینی، محمد بن یعقوب ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۴۹). بر این اساس می‌بینیم امام صادق (ع) بایبان اینکه مفاهیم علمی به‌عنوان یک ابزار است و تمدن ابزارساز است و می‌توان در سایه آن ظرفیت یک جامعه را در تمامی ابعاد مورد شناخت قرارداد.

- با بررسی سخنان امام صادق (ع) می‌توان ادعان نمود که تمدن مستقل از روابط اجتماعی قابلیت ماندگاری را دارد و تمدن همواره حامل یک فرهنگ است که اگر به‌خوبی بتواند در جامعه‌ای ورود پیدا کند آن اجتماع را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، با توجه به اینکه اگر موضوعی مورد پذیرش اجتماعی قرار گرفته و نهادینه شود آنگاه وصف تمدنی می‌یابد، به همین دلیل امام صادق (ع) در این زمینه سعی و تلاش وافر داشتند که موضوعی مورد پذیرش علمی و یا اجتماعی برسد تا وصف تمدنی پیدا کند (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۴۳). بر این اساس وقتی دستورات امام در همه شئون زندگی افراد قرار بگیرد و گروه کثیری به آن توجه کنند، پی‌ریزی تمدن بر اساس مذهب جعفری ایجاد خواهد شد که آن را در حال حاضر شاهدیم و امام صادق (ع) برای رسیدن به این منظور از گرایش‌ها، بینش‌ها و دانش‌های تمدن بشری و گاهی از علوم، ساختارها و محصولات تمدنی بهره گرفته‌اند. نظر به اینکه اثر تمدن محیط‌سازی پرورشی است امام صادق (ع) در خصوص مسائل پرورشی در عصر حکومت‌های اموی و عباسی بسیار متفاوت‌تر از گذشته عمل نمودند و با آنچه در سیاق، متعارف و معمول بود اختلاف شدیدی پیدا کردند (پاکتچی، احمد، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۲۰۵) که حکومت‌های وقت حاضر به قبول آن نبوده و شروع به برخورد با امام نمودن که در نهایت باعث شهادت ایشان گردید. می‌توان گفت اقدامات امام صادق (ع) در نظام آموزشی الگویی کامل برای یک دانشگاه جامع در فرهنگ و تمدن اسلامی به شمار می‌رود. در این دانشگاه جامع، امام صادق (ع) به دانشجویان گرایشهای مختلف آموزش داده و متخصصانی را تربیت نمودند که در زمان خود بی سابقه بود، این امر نشان دهنده مدیریت و توان مهندسی امام صادق (ع) را نشان می‌دهد که توانستند با مدیریت خود دانشگاهی در رشته‌های مختلف با ظرفیتی بالا و قابل رقابت در برابر مکانهای علمی آن زمان ایجاد کنند که این موضوع خود نشان دهنده توان علمی بالای امام صادق (ع) در همه علوم به‌عنوان یک استاد کامل و متخصص در آن علوم است.

۵) دانشگاه جعفری و آثار درخشش آن

حدود یک قرن بیشتر از طلوع آفتاب نبوت نگذشته بود که نظرهای مختلفی در زمینه اصول عقاید، در عالم اسلام پدید آمد و مشاجرات و مباحثات گوناگون در میان مسلمانان نمودار گشت، از طرف دیگر اختلاف‌های سیاسی و کشمکش‌های دامن‌دار میان دولت بنی‌امیه و بنی‌عباس که اولی رو به انقراض و دومی رو به اوج ترقی می‌رفت (قمی شیخ عباس (بی تا)، ص ۱۵۵)، افکار را مشوش می‌ساخت تا اینکه سرچشمه سار علوم و حقیقت و ترجمان اسرار مکتب عصمت و طهارت امام صادق (ع) برای بیان حقایق قیام نمود. تأسیس حوزه علمیه و دانشگاه عظیم جعفری است که از حدود چهار هزار شاگرد تشکیل می‌شد و در نوع خود نهضت بزرگ فکری و علمی بود که پس از رسول خدا تا آن عصر، چنین نهضتی با آن عمق و گستردگی برای امامان پیش نیامد. البته پایه‌ریزی و زمینه‌سازی این نهضت عظیم به دست‌پر توان حضرت امام باقر (ع) انجام گردید و تعمیق و توسعه و استواری آن باهمت والای امام صادق (ع) صورت گرفت. وسعت و گستره دانشگاه امام صادق (ع) بر کسی پوشیده نیست. بزرگان و اندیشمندان شیعه و اهل سنت امام صادق (ع) را عالم و پیشگام بسیاری از علوم می‌دانند و نقش آن حضرت در گسترش علوم مختلف، فقه و حدیث و تربیت شاگرد بر کسی پوشیده نیست (ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (بی تا)، ج ۱، ص ۱۸؛ فضلی عبدالهادی، ۱۳۹۰، ص ۲۶۳). شاگردان امام صادق (ع) منحصر به شیعیان نبودند. بلکه پیروان سنت و جماعت نیز از مکتب آن حضرت برخوردار می‌شدند؛ پیشوایان چهارگانه اهل سنت بلا واسطه یا باواسطه شاگرد امام صادق (ع) بودند. ابوحنیفه در رأس این پیشوایان قرار دارد که به گفته خودش، دو سال شاگرد امام (ع) بوده و اساس علم و دانشش از این دو سال است (حیدر اسد، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۵). از دیگر امتیازات مهم این دانشگاه تربیت شاگردان متخصص در عرصه‌های مختلف است. بی‌شک عمده‌ترین نقش امام صادق (ع) در گسترش علوم را می‌توان پرورش شاگردان متخصص دانست که هر کدام از آنان در عرصه تولید علم نقش‌آفرین بودند. مکتب پربار جعفری و محضر گهربار امام صادق (ع) دانشمندانی بزرگ به جامعه اسلامی هدیه کرد دانشمندانی که هر یک خود مرجعی مهم در مسائل علمی و مذهبی به شمار می‌آیند دستاوردهای این دانشگاه فعال علمی دینی گسترده‌تر از آن است که بتوان به تمام آن اشاره کرد اما از باب نمونه می‌توان هشام بن حکم را نام برد. وی از جوانی به دنبال علم آموزی و فراگیری بود به همین دلیل علوم زمان خود را یاد گرفت و کتابهای فلاسفه یونان را خواند و حتی اندیشه یکی از فیلسوفان یونانی را به نقد کشید (صفایی، سید احمد، ۱۳۵۹، ص ۱۴). هشام برای درک بهتر به دنبال مکتب‌های مختلف زمان خود رفت اما هیچکدام از این مکاتب نیاز فکری و روحی او را تکمیل نکرد، عمویش عمیر بن یزید کوفی وی را با امام صادق (ع) آشنا نمود و از آن پس هشام از اصحاب امام صادق (ع) گردید (شوشتری، شیخ محمدتقی، ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۵۲۱). هشام بن حکم دارای هوش بالا و علم زیاد بود و در مناظرات دارای شهامت و صراحت لهجه بالایی بود به همین دلیل در مناظرات با دانشمندان و علما شرکت می‌کرد. از خصوصیات مهم هشام خوش رفتاری او با صاحبان تفکر مخالف بود وی با عبدالله بن زید اباضی یک باب مغازه خرازی داشتند و یک شریک خوب و امین بودند و تا آخر عمر بین آنها اختلاف و نگرانی رخ نداد. این دو نفر از نظر مذهبی کاملاً در دو قطب مخالف بودند، هشام از یاران امام صادق (ع) و از علمای و متکلمین سرشناس بود و به امامت اهل بیت معتقد بود و دوستش

از علمای اباضیه بود. هشام تعصب را در شئون زندگی خود دخالت نمی داد به همین دلیل مردم از دوستی بین آن دو در شگفت بودند، هشام هر گاه احساس می کرد برای دفاع از اسلام نیاز به یادگیری علوم دیگری بود برای یادگیری آن علم می رفت و علم جدیدی می آموخت (مطهری مرتضی، ۱۳۸۷، ج ۱۸، ص ۲۹۹). از مزایای مهم دانشگاه امام صادق (ع) فرا قومیتی، فرامذهبی و جهان شمولی آن بود. مدارا، رفق و سازش از مهمترین شاخصهای تمدن اسلامی است و همین امر باعث رشد آن از شروع تا به امروز شده است. مدارا در اسلام به زمان ظهور آن برمی گردد به شکلی که این ویژگی را در قرآن و همچنین در سیره رسول مکرّم اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) می توان دید. بر اساس همین دیدگاه اسلامی بود که ائمه (ع) به مدارا با مسلمانان، اهل کتاب و مشرکان بی آزار تاکید داشتند و با تساهل و تسامح به علم آموزی آنان تاکید می کردند. جانشینان به حق رسول خدا (ص) به دلیل درک دقیق و عمیق از ارکان فرهنگ اسلامی با تفسیر درست از آن‌ها، علاوه بر تقویت و گسترش پایه‌های این فرهنگ در طول زمان، آن‌ها را از تحریف و انحرافات مصونیت می بخشیدند. امامان معصوم (ع) هم بر حفظ مصالح کلی و جهانی فرهنگ اسلامی در برابر امت‌ها و ملت‌های دیگر می کوشیدند و هم در نشر مبانی حق و تبیین شالوده فرهنگ اسلامی و بینش راستین به آنان از هیچ تلاشی فروگذار نبودند (کاشفی، محمدرضا، ۱۳۸۹، ص ۷۴). از این رو امام صادق (ع) در برابر تمدنهای گذشته نه صف آرایی کردند و نه حالتی منفعل به خود گرفتند، بلکه در این راستا اقدام به رفع نقاط منفی و رشد نقاط مثبت تمدن‌ها پرداختند. در دانشگاه امام صادق (ع) شاگردان بسیاری از نقاط مختلف جهان اسلام مانند مصر، عراق، ایران، شام و ... حضور داشتند که این موضوع نشان دهنده آوازه امام صادق (ع) در جهان اسلام بود. امام صادق (ع) در نظام تعلیم و تربیت خود برای جویندگان دانش هیچگونه محدودیت، فکری، سیاسی، مذهبی، مرزی، سنی و ... نداشتند. در این نظام ما یک دانشگاه جهان شمول فراملی و قومیتی را می بینیم که همه افراد با هر دیدگاهی به فعالیت علمی می پرداختند. امام صادق (ع) در این مورد می فرمایند: «حکمت گمشده مؤمن است، پس هر جا که یکی از شما گمشده‌اش را یافت، آن را فراگیرد» (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۷۳). در این نظام آموزشی هیچگونه انحصار در دستاوردهای علمی دیده نمی شود و امام صادق (ع) اقدام به نشر و گسترش علوم می کردند. امام (ع) بیان می کردند دانشی که دیگران از آن سیراب نشوند مانند چراغی است که جلوی پرتو افشانی آن گرفته می شود. امام (ع) لزوم کتابت آموزه‌ها را به مفضل بن عمرو تاکید می کردند که این امر نشان دهنده نشر علم به آیندگان را نشان می دهد (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۷۳). حاصل کار امام صادق (ع) در دانشگاه بزرگ خود تربیت دانشمندانی بزرگ بود که غالباً از نظریه پردازان علوم زمان خود شدند و نقش مهمی در رشد و شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی داشتند. یکی از این افراد جابر بن حیان است که شماری از مؤلفان، از جمله ابن خَلکان (ابن خَلکان، ابوالعباس، احمد بن محمد برمکی اربلی (بی تا)، ج ۱، ص ۳۲۷)، ابن ندیم (ابن ندیم، محمد ابن اسحاق، ۱۳۸۱، ص ۴۲۰ - ۴۲۱)، ابن طاووس (متوفی ۶۴۴) (صفدی، خلیل بن ایبک، ۱۹۶۲، ج ۱۱، ص ۳۴)، صَفَدی (متوفی ۷۶۴) (همان، ج ۱۱، ص ۳۴)، صدیق حسن خان (متوفی ۱۳۰۷) (قتوجی بخاری، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۶۲)، جابر را از شاگردان امام جعفر صادق (ع) دانسته‌اند.

۶) مبانی اندیشه تمدنی امام صادق (ع)

از سخنان و روایات امام صادق (ع) می توان به برخی از مبانی تمدنی امام پی برد که در ذیل به برخی از این مبانی اشاره می کنیم.

الف) دین شناسی

از مبانی مهم آموزه‌های امام صادق (ع) نسبت دین به تمدن است. امام صادق (ع) ضمن اعتقاد راسخ به ارزش‌های ثابت در دین اسلام اقدام به آموزش اصول و ارزش‌های جهان‌شمول برای جوامع در حال گذر طراحی نمودند. بر همین اساس دین در آموزه‌های اسلام یک دین حداکثری شامل تمامی مجموعه هدایت‌هایی برای همه زمان‌های حیات بشری است و امام بر اساس شناخت درست و صحیحی که از جامعه و انسان به‌ویژه در دوره‌های بعد دارند اقدام به تعلیم مباحث دینی نموده‌اند؛ زیرا دین اسلام همه عرصه‌های زندگی انسان را در نظر گرفته و باید مقاصد الهی به همه انسان‌ها آموزش داده شود.

ب) فلسفه تاریخ

از دیگر مبانی آموزشی امام صادق (ع) توجه به فلسفه تاریخ است مخصوصاً فلسفه تاریخ ناب محمدی (ص) است. با توجه به نزدیکی زمان امام صادق (ع) با زمان رسول‌الله (ص) و اجداد بزرگوارشان بیان مباحث تاریخ اسلام امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر بود، زیرا تبیین برنامه‌های توسعه و یا مهندسی اسلامی تنها در پرتو داشتن دانشی جامع از باب فلسفه تاریخ اسلام امکان‌پذیر است. از اصول فلسفه تاریخ اسلام توجه به جریان توحید در تمام هستی است یعنی توحید ذاتی (فاطر، ۱۵)، تابع ربوبیت حق تعالی بود (طه، ۵۰) که نشان‌دهنده حرکت تاریخ و جامعه انسانی که شامل پویایی تمامی جوامع کفر و ایمان می‌گردد (اسراء، ۲۰).

ج) جهت‌داری علوم

امام صادق (ع) به علوم مختلف واقف و آشنا بودند و در تمام تعالیم به آموزش علوم به سمت‌وسوی موردنظر خود اقدام نمودند. امام صادق (ع) شاگردان زیادی را آموزش دادند زیرا علوم به‌صورت اجتماعی تولید می‌شود. بر اساس همین نگاه امام به صورتی روشمند اقدام به آموزش محتوای گزاره‌ای علوم نمودند. نگاه امام (ع) نه‌تنها علوم انسانی بلکه علوم تجربی را نیز شامل شده است؛ زیرا علوم تجربی الگوهای کاربردی برای تصرف جهان مادی هستند.

۷) فلسفه نرم‌افزار مهندسی تمدن اسلامی

نقطه اوج کار امام صادق (ع) آموزش و پاسخ‌های بدیع و راه‌حل‌های عمیق به سؤالات افراد و گروه‌های مختلف است. بر اساس آموزه‌های امام صادق (ع) به‌منظور تحقق تمدن اسلامی می‌بایست هم به مباحث علوم و هم به ساختارها و محصولات علمی، مبتنی بر مبنای علمی و آموزه‌ها و اهداف اسلام ناب دست‌یافت. علوم اسلامی محور اساسی و هسته تمدن اسلامی است و فلسفه نرم‌افزار مهندسی ایشان دارای سه قسمت است.

الف) فقه: نخستین لایه از معارف است که تضمین‌کننده اسلامیت تمدن اسلامی است و ضرورت دارد جامعه به فقه تمدنی، اجتماعی دست یابد بنابراین مباحث فقهی هم از نظر کمی و هم از کیفی باید رشد و بالندگی پیدا کنند و دارای یک فقه حکومتی مبتنی بر دستورات پیامبر اسلام (ص) باشد.

ب) علوم اسلامی: که دومین لایه از معارف است که باید به این علوم دست‌یافت و برای دستیابی به علوم باید شبکه پژوهش ایجاد و کارآمدی علوم را در کلاس‌های درس، آزمایشگاه‌ها و کاربرد علمی برای جامعه مشخص کرد.

ج) الگوهای توسعه اسلامی: سومین حوزه از دانش موردنیاز، دستیابی به الگوی توسعه اسلامی است این الگو باید متغیرهای اجتماعی را شناسایی و سهم هرکدام را در توسعه تمدن بیان کند و امام صادق (ع) در این زمینه اقدامات زیادی را انجام دادند. امام صادق (ع) در پروسه مهندسی تمدن اسلامی اقدام به ایجاد متدهای آموزشی مناسبی نمودند و بر اساس همین موضوع در سایه تولید شبکه علوم اسلامی و الگوهای اسلامی اداره جامعه برمدار اندیشه ناب اسلامی و فقه کارآمد امکان‌پذیر کردند و با ایجاد فقهی که توان سرپرستی، مهندسی و مدیریت شکل‌دهی تمدن اسلامی را داشته باشد گام مهمی در این راه برداشته و در کنار آن هم علوم غیر اسلامی را نیز جهت مهندسی رشد و توسعه تمدن اسلامی به کاربردند و با توجه به اینکه خود عالم به این علوم بودند به‌خوبی مهندسی تمدنی را هدایت و برنامه‌ریزی کردند.

۸) برخی از مبانی تعلیم و تربیت در مهندسی تمدنی امام صادق (ع)

الف) مبانی اخلاقی و دینی

- تأکید بر خدا‌باوری (باقری، خسرو، ۱۳۸۴، ص ۹۳)، بر اساس لزوم بهره‌گیری از نعمات الهی و لزوم بهره‌گیری از دنیا به‌مثابه ابزار.
- تأکید بر خدامحوری (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۹۰)
- تأکید بر اولویت آموزش معارف دینی (همان، ج ۱، ص ۳۳)
- تأکید بر اخلاق محوری و رعایت آداب انسانی، اسلامی (همان، ج ۳، ص ۷۳)
- تأکید بر رعایت تقوای علمی (همان، ج ۲، ص ۳۷۴)

ب) مبانی سیاسی، اجتماعی تعلیم و تعلم

- توصیه به هم‌اندیشی و مدارا با مخالفان به‌نحوی که با اصول دین مغایرت نداشته باشد (محمدی، علی، ۱۳۷۹، ص ۸۲).
- توصیه به آموزش‌های اجتماعی و هدف محور (باهر، محمدجواد، ۱۳۶۰، ص ۱۵)
- توجه به مبانی سیاست اسلامی در نظام تعلیم و تربیت (کمپانی، فضل‌الله، ۱۳۶۳، ص ۴۱ و ابن شعبه حرانی، ۱۳۵۸، ص ۳۱۳)
- توجه به حقوق فردی و اجتماعی در نظام تعلیم و تربیت (ابن شعبه حرانی، حسن، ۱۳۵۸، ص ۳۳۷)

ج) مبانی روش‌های آموزشی در تعلیم و تربیت علمی

- توجه به کشف قواعد، استنباط، نقد حدیث
- کوشش جهت تألیف، تصنیف و تقسیم‌بندی احکام
- جلسات محلی برای برخورد فکری عالمان و دانشجویان (حیدر، اسد، ۱۳۶۹، ص ۹۹)

- تربیت دانشجویان در رشته‌های مختلف به صورت تخصصی
- آزادی حضور در جلسات علمی و آموزشی برای همه اقشار (بهشتی، احمد، ۱۳۶۰، ص ۱۳)
- اختصاص مباحث علمی برای دانشجویانی که به علمی آشنا بوده اما هنوز تبحر لازم را در آن علم کسب نکرده‌اند.
- نوشتن رساله‌های علمی برای دانشجویان
- بحث و مناظره با اندیشه‌های موافق و حتی مخالف (نصیری، عبدالله، ۱۳۷۸، ص ۸۹)

۹) نتیجه‌گیری

مهندسی علمی امام صادق (ع) در صحنه‌های علمی، فرهنگی در رشد کمی و کیفی تمدن اسلامی نقش قابل توجهی داشته، تبلیغات شاگردان ایشان از مرزهای زمان خود فراتر رفته و برای آیندگان راهکار مناسبی را فراهم نمود. البته ضعف بنی‌امیه و قدرت گرفتن بنی‌عباس، شرایط اجتماعی و فرهنگی عصر امام جعفر صادق (ع) را به گونه‌ای فراهم ساخت که در زمان هیچ‌یک از امامان (ع) وجود نداشت. نزاع و کشمکش میان بنی‌امیه و بنی‌عباس و مبارزه مسلحانه و عملیات نظامی آن‌ها باعث شد که توجه آنان کمتر به امام (ع) و فعالیت‌هایشان باشد، همین دوران که با آرامش نسبی همراه بود، فرصت مغتنمی برای فعالیت علمی و فرهنگی امام صادق (ع) و شیعیان ایشان و دفاع از دین و حقانیت تشیع، نشر معارف صحیح اسلام و مهندسی تمدن اسلامی به شمار می‌رفت. در چنین زمانه و شرایطی نقش امام صادق (ع) در پیشرفت علوم مختلف بسیار محسوس بود و باعث گردید تا برای امت اسلامی زمینه‌ای را آماده سازد که شکوفایی علم و تمدن اسلامی باعث افتخار مکتب حیات‌بخش اسلام گردد، برای همین امام (ع) موفق شدند که در شرایط پیچیده آن عصر امت اسلامی را به رشد و کمال علمی برسانند. از برجسته‌ترین نقاط اندیشه تمدنی امام صادق (ع) تحلیل جامع و عمیق ایشان از تمدن‌های زمان خود بود که پس از ورود دین اسلام رو به اضمحلال بودند و امام از این فرصت مهم استفاده نموده موارد باطل آنان را مشخص و حذف نمودند و موارد مثبت را بر اساس مبانی اسلامی تکمیل و به جامعه ارائه دادند؛ بنابراین امام صادق (ع) با استفاده از این فرصت‌ها و دانش علمی بالای خود، تعداد زیادی شاگرد در رشته‌های گوناگون تربیت کرد که بسیاری از ایشان در رشته‌های خود سرآمد روزگار بوده‌اند و در سرتاسر ممالک اسلامی و غیر اسلامی پراکنده شدند که در مهندسی تمدن اسلامی نقش بسیار مهمی را ایفا کردند. از این رو می‌توان اذعان نمود که امام صادق (ع) یکی از معدود رهبران جهان اسلام است که نقش بسیار مهمی را در رشد و شکوفایی تمدن اسلامی ایفاء کرده‌اند.

۱۰) فهرست منابع

قرآن کریم

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (بی‌تا)، شرح نهج‌البلاغه، گردآورنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، نویسنده: علی بن ابی طالب (علیه‌السلام)، امام اول، نشر مکتب آیت العظمی مرعشی نجفی، قم، ایران.
- ابن خَلِّکان، ابوالعباس، احمد بن محمد برمکی اربلی (بی‌تا)، وفیات الأعیان و أنباء أبناء الزمان مما تَبَّتْ بالنَّقلِ والسَّماعِ وأَثَبَتَهُ العِیان، تحقیق: احسان عباس، المطبعة: لبنان - دار الثقافة، الناشر: دار الثقافة.
- ابن شعبه حرانی، حسن (۱۳۵۸)، تحف العقول، ترجمه علی‌اکبر غفاری، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیة.
- ابن طاووس (۱۲۶۳)، فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم، چاپ افست قم.
- ابن ندیم، محمد ابن اسحاق (۱۳۸۱)، الفهرست، مترجم: محمدرضا تجدد، انتشارات: اساطیر، تهران.
- باقری، خسرو (۱۳۸۴)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، انتشارات مدرسه.
- باهر، محمدجواد (۱۳۶۰)، انتقال به تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، نور سیما.
- بهشتی، احمد (۱۳۶۰)، تربیت از دیدگاه اسلام، قم، دفتر نشر پیام.
- پاکتچی، احمد (۱۳۸۹)، جعفر صادق (ع)، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، کاظم موسوی بجنوردی، ج ۱۸، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- ثقفی ابراهیم (۱۳۵۵)، الغارات، به کوشش جلال الدین محدث، تهران.
- جمالی، مصطفی (۱۳۹۱)، "مهندسی تمدن اسلامی و مسجدمحوری"، پایگاه تخصصی مسجد.
- حیدر اسد (۱۳۸۰)، الامام الصادق و المذاهب الاربعه، دارالکتب العربیه، بیروت، ج ۴.
- حیدر، اسد (۱۳۶۹)، امام صادق و مذاهب چهارگانه، ترجمه حسن یوسفی اشکوری، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- شوشتری، شیخ محمدتقی (۱۴۲۲)، قاموس الرجال فی تحقیق رواه الشیعه و محدثیهم، موسسه نشر اسلامی، قم، ج ۱۴.
- شهیدی، سیدجعفر (۱۳۸۴)، زندگانی امام صادق جعفر بن محمد (ع)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صفایی، سید احمد (۱۳۵۹)، هشام بن حکم مدافع حریم ولایت، چاپ دوم، نشر آفاق.
- صفدی، خلیل بن ایبک (۱۹۶۲)، الوافی بالوفیات، ج ۱۵، محقق: ریتز، هلموت، دارالنشر فرانز شتاينر، بیروت لبنان، ویسبادن.

- طوسی، محمد بن حسن (شیخ الطائفه) (۱۴۱۵)، رجال الشيخ الطوسی (الأبواب)، چاپ جواد قیومی، اصفهانی، قم.
- فضلی عبدالهادی (۱۳۹۰)، تاریخ التشريع الاسلامی، نشر: دار الكتاب اسلامی، قم.
- قریشی (۱۳۸۲)، "نقش امام صادق در تربیت محدثین"، مجموعه مقالات همایش امام جعفر صادق (ع)، ویرایش دوم، تهران، مجمع جهانی اهل بیت. قمی شیخ عباس (بی تا)، تتمه المنتهی، نشر داوری، قم.
- قنوجی بخاری (۱۳۷۸)، صدیق بن حسن خان، اجدالعلوم، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان.
- کاشفی، محمدرضا (۱۳۸۹)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، جامعه المصطفی العالمیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۸)، اصول الکافی، چاپ اول، تهران: دارالاسوه للطباعه و النشر.
- کمپانی، فضل الله (۱۳۶۳)، سخنان امام صادق (ع)، تهران، موسسه مطبوعاتی خزر.
- محمدی، علی (۱۳۷۹)، "رهنمودهای امام صادق (ع) به عبدالله بن جندب"، ماهنامه کوثر، شماره ۴۰.
- مطهری مرتضی (۱۳۸۷)، مجموعه آثار (تعلیم و تربیت در اسلام)، نشر صدرا، تهران.
- مفید، محمد بن النعمان (۱۴۱۳)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- میرخانی، عزت السادات (۱۳۸۵)، "امام صادق (ع) و نظام سازی در اجتهاد"، فقه و حقوق خانواده، زمستان - شماره ۴۴ صفحه - از ۳۳ تا ۶۲
- نصیری، عبدالله (۱۳۷۸)، "امام، فرهنگ و دانش"، نشریه ایران، شماره ۱۱.
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۹۳)، تاریخ علم در فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۳، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.